



## منابع و مأخذ امثال و حکم

### هفت خط

افراد بسیار زیرک و باهوش و درعین حال رند و حقه بازرا در عرف اصطلاح عامه به «هفت خط» مثل میزنند و فی المثل میگویند «فلانی از آن هفت خطها است». این مثل بصورت «هفت قد» هم گفته میشود و اصولاً غالب مردم «هفت قد» میگویند که از لحاظ معنی و مفهوم با مقصود و منظور گوینده تناسبی ندارد بنابراین «هفت خط» صحیح و ریشه و علت تسمیه آن با این شرح است:

خط متداول کنونی فارسی از الفبای عربی گرفته شده و خط عربی نیز مشتق از خط معروف «کوفی» است که بشهر کوفه عراق نسبت داده میشود شاید باین سبب که این خط اولین بار بطور رسمی در آن شهر شایع شد.<sup>۱</sup> خط کوفی بعلت اشکال و دشواری در تحریر و قرائت، در خلال قرون متمادی اصلاح و تکمیل شد و اولین پیشقدم نهضت در زمینه اصلاح خط و احیای خوشنویسی ابوعلی محمد بن علی بن حسین بن مقله بیضاوی شیرازی معروف به ابن مقله وزیر دانشمند المقتدر و الرازی خلفای عباسی بود که اقلام سته یعنی خطوط ششگانه: محقق - ریحان - ثلث - نسخ - آتوقیع و رقاع را استخراج و بقولی تکمیل کرد.<sup>۲</sup> بحث در پیرامون هر یک از این خطوط از حوصله این مقال خارج است. خط تعلیق یا ترسل را حسن بن حسین بن علی فارسی معاصر عمادالدوله دیلمی از تلفیق دو خط

رقاع و تویع بوجود آورد که بر اثر سرعت قلم و تند نویسی متدرجا بصورت شکسته تعلیق درآمد .

خط نستعلیق که عروس خطوط اسلامی نامیده شده و بحق از ظریفترین و دقیقترین آثار هنری ایران بشمار میآید ، بوسیله **خواجه میرعلی تبریزی** معروف به قدوة الکتاب در قرن هفتم هجری از ترکیب دو خط نسخ و تعلیق بوجود آمد .

نسخ تعلیق گر خفی و جلی است ، واضح الاصل **خواجه میرعلی** است .  
مخترع خط شکسته نستعلیق که اختصاراً بنام شکسته معروف است ، درویش **عبدالمجید طالقانی** در قرن دوازدهم هجری است که اکنون قطعات نفیسش زینت بخش بزرگترین موزهها و کتابخانههای دنیا است .<sup>۳</sup>

علاوه بر این خطوط دهگانه اصلاحی و اختراعی خط دیگری هم داریم بنام خط دو طرفه یا توأمان. مخترع این خط **مجنون بن جمال الدین هراتی** متخلص به **رفیقی** است که در عصر **غازان خان** میزیست و خود در این زمینه چنین گوید :

توأمان مخترع مجنونست ، که قلم چهره گشائیا کرد .  
تا شدم مخترع و صورتکش ، خطکم صورتکی پیدا کرد .  
مقصود از ذکر مقدمه بالا آنکه از روی خط کوفی یازده خط : محقق - ریحان - ثلث - نسخ - تویع - رقاع - تعلیق - شکسته تعلیق - نستعلیق - شکسته نستعلیق - دو طرفه ، بوسیله خطاطان و خوشنویسان اختراع گردید که غالباً ایرانی بوده اند. در هر یک از این خطوط استادان چیره دستی وجود داشته اند که در لطافت قلم و قدرت کتابت و خوش اندامی حروف و کلمات بر استی یگانه زمان بوده اند و آثار نفیس آنان بصورت کتاب در اینیه و مساجد و بشکل قطعات در بزرگترین موزهها و کتابخانههای دنیا جلوه گراست .

خوشنویسان ایران چند دسته و هر دسته در یک یاد و خط استاد مسلم هستند که هم اکنون آثار خطوط آنان را کلمه بکلمه و سطر بسطر چون کاغذ زرمیخرند و میبرند . اما در میان خوشنویسان معروف ایران ، افرادی نیز بودند که بعضی تاشش و برخی تاهفت وعده ای معدود تا یازده خط اختراعی را با زیبایی خاص و اسلوب مرغوب مینوشتند ، بقسمیکه هیچ عیب و نقصی بر آن متصور نبود . اینگونه خوشنویسان قرب و منزلتی عظیم داشتند و در نزد اهل فن و هنرمندان به «استاد هفت خط» یا بطور خلاصه «هفت خط» موسوم بوده اند . هفت خط استادان چیره دستی بوده اند که از هفت خط ببالا را که نگارش آن برای سایر خطاطان و خوشنویسان از اشکال خالی نبود در نهایت زیبایی و هنرمندی مینگاشتند . اهمیت و اعتبار استادان هفت خط بدرجه ای بود که اصطلاح هفت خط بعدها بصورت ضرب المثل درآمد و در مقام تجلیل و بزرگداشت استادان هنرمند در هر فن و حرفه ، میگفتند «فلانی از آن هفت»

خطهاست، یعنی بکلمه رموز و دقایق هنر اختصاصی خویش واقف و آگاه میباشد. متأسفانه امروز اصطلاح هفت خط معنی و مفهوم اصلی خویش را از دست داد و از آن در مواردی و قلاشی و حقه بازی استفاده و تمثیل میکنند. اینک اسامی چند نفر از استادان هفت خط را برای مزید اطلاع مینگارم:

- ۱ - مجنون هراتی متخلص به «رفیقی» معاصر غازان خان.
- ۲ - شاه منصور از سلاطین آن مظفر ۴.
- ۳ - امیر محمد بدو الدین تبریزی معاصر امیر تیمور گورکانی.
- ۴ - عبدالقادر خراسانی معاصر امیر تیمور گورکانی.
- ۵ - خواجه عبدالله مروارید بیانی در قرن دهم هجری.
- ۶ - حاجی میرزا قاسم آقا تبریزی «متوفی ۱۲۹۲ هجری».
- ۷ - میرزا محمد حسین مشکین قلم «متوفی ۱۳۳۰ هجری».

#### روایت دیگر:

روایت دیگر که راجع بریشه تاریخی هفت خط وجود دارد اینست که در زمان ساسانیان شراب را در شاخ حیوانات «مثلاً شاخ گاو یا بز کوهی» مینوشیدند. البته اینکار دو علت داشت: اولاً شاخ پیمانه‌ای ظریف بود و بادستکاری که در آن میکردند بر ظرفیتش افزوده میشد، ثانیاً چون ته شاخ تکیه گاه نداشت شراب خوار نمیتوانست ظرف را بر زمین بگذارد و احياناً طفره برود بلکه مجبور بود آنرا در دست داشته باشد و محتوایش را هر مقدار باشد، لاجرم بنوشد. اما در محضر شاهنشاه، برای آنکه اشخاص زیاده از حد باده گساری نکنند و احترام و ابهت مجلس شاهانه محفوظ بماند، هر کس شاخی مخصوص داشت و برای آنکه اندازه نگاهدارند داخل شاخ را خط کشیده و مدرج کرده بودند و هر کس تا آن خط شراب میریخت که توانائی نوشیدن داشت. در اینگونه مجالس از سه تا شش خط شراب مینوشیدند ولی معهود دیگر استعداد و ظرفیت بیشتر داشته و با اصطلاح شراب خواره لوطی بوده اند تا هفت خط را لاجرم بسر میکشیدند و نظم و حرمت مجلس را هم نگاه میداشتند. عمل این افراد که تاهفت خط را میتوانستند در حضور شاه بنوشند و تغییر حالت ندهند، رفته رفته، مفاهیمی مجازی پیدا کرد و بصورت ضرب المثل درآمد. در قفقاز، تاهمین او آخر، این رسم باده گساری معمول بود و در فیلم «تاراس بولبا» شاخهای شراب خواری بهمال شکل و ترتیب نشان داده شده است. قدر مسلم اینست که اصطلاح هفت خط از این دوشق خارج نیست و بر عهده محققان آینده است که در این مورد بیشتر مطالعه و مذاقه کنند.

در خاتمه باید دانست که در کتابهای لغت برای جام جمشید، هفت خط معین کرده اند.

و نشانه‌های باده‌گساری بوده است و خط هفتم را «خط جور» گفته‌اند که هیچ پهلوانی نمیتوانسته است از عهده نوشیدن تا آن خط برآید. ۵. آقای فریدون نوزاد، راجع به شراب‌خواری در قدیم و هفت خط جام شراب تحقیقی دارد که نقل آنرا بالمناصبه ضالی از فایده نمیداند:

جام شراب را با هفت خط یا هفت درجه تقسیم و تزیین میکردند و این هفت خط عبارت بود از:

خط جور = و این خط لب جام بود. خطی که بعد از آن جام سرریز میشد و ظرف قدرت پذیرش مظرورف را نداشت. فرهنگ نویسان معتقدند که آن خط اول از هفت خط جام جم است که خط لب جام باشد:

جور خواران را جهان انصاف داد      کز خود انصاف جهان درخواستند

«خاقانی»

خط بغداد = دومین و مشهورترین خط جام جم است...

تا خط بغداد ساغر دوستکامی خورده‌ام      دوستان را دجله‌ای در جرعه‌دان آورده‌ام

«خاقانی»

خط بصره = خط فروتر از خط بغداد...

خورده‌یک دریای بصره تا خط بغداد جام      پس پیاپی دجله‌ای در جرعه‌دان افشاندند

خط ازرق = که خط شب هم خوانده شده است. و آنرا خط سیاه نیز گویند. در

فرهنگها خط سبز هم آمده است:

می‌احمر از جام تا خط ازرق      زیر و زده لعل بدخشان نماید.

بجام عشق تومی تا خط سیاه دهند      منم که سر نه خط آن خط سیاه نهم.

«خاقانی»

این خط کاملاً در حد وسط جام بود زیرا فراتر از خود سه خط و فروتر نیز سه خط داشته است. تصور میشود این خط برای شراب‌خواران کمال اعتدال بوده است.

خط اشک = نام خط پنجم است از جام جمشید و آنرا خط خطر گویند. خط «در

شکر» یا «ورشکر» هم گفته شده است. هنوز در میان می‌خواران «اشگی» و «اشک چشم بلبل»

و بالاخره «اشک چشمی بریز» مرسوم و متداول است. البته شاید «خط اشک» بمفهوم

واقعی خود نباشد ولی لغت «اشک» حفظ شده و رایج است.

خط فرودینه = آخرین خط از لب جام. آغازی که پایان است و پایانی که آغاز را

ایجاب میکند.

خط مزور - خط هفتم از هفت خط جام جم :

روز و شب جز خط مزور نیست خیز و خط بر خط مزور کش « خاقانی »  
استنباط میشود که این درجات و استفاده از آنها در جرگه شرابخواران کاملارعايت  
میشد و ساقی و جام گردان بر رعایت شرابخواران از مقررات و جلوگیری از زیاده روی ناظر  
بوده است . از « فرودینه » نخستین مرحله تا « جورکشی » حدنهائی و غائی برای تازه کاران  
مرحله شروع و پایان کهنه کاران میبود . چون از « خط کاسه گر » به « خط اشک » میرسید در  
واقع به می نوش اعلام خطر میشد : در « خط سیاه » قدرتی چون قدرت نوجوانان سبزه خط  
دمیده برای باده نوشی می یافت و بالاخره در خطوط « بصره » و « بغداد » بمرحله تکاملی  
میرسید و حتی در « خط بغداد » بسنده میشد و کمتر تا « خط جور » ادامه میدادند .  
در هر صورت از هر دو روایت در این مقاله یاد شد ولی بگمان نگارنده روایت اخیر  
بیشتر مقرون بصحت است تا روایت خط و خطاطان ... باید دید که پژوهشگران آینده را  
چه نظر و عقیدتی است .

۱ - راهنمای صنایع اسلامی صفحه ۷۷ .

۲ - شادروان محمدتقی بهار خط « نسخ » را متعلق بقرن اول هجری میدانند نه ابن مقله .  
« سبکشناسی ج ۱ صفحه ۹۶ »

۳ - برای اطلاعات بیشتر در زمینه خطوط بکتاب « پیدایش خط و خطاطان » و جلد اول  
کتاب « ایران شهر » نشریه کمیسیون ملی یونسکو و سایر کتب مدونه مراجعه شود .

۴ - تاریخ آل مظفر ج ۲ صفحه ۲۵۸

۵ - مجله نیما، شماره مسلسل ۲۶۸ صفحه ۵۹۱ نوشته شادروان بدیع الزمان فروزانفر .

۶ - مجله آرمغان شماره مرداد و شهریور ۱۳۵۳ صفحه ۳۱۳ .

## بار منت دونان

بدندان رخنه در پولاد کردن	بناخن راه در خارا بریدن
فرورفتن به آتشدان نگونسار	به پلک دیده آتش باره چیدن
بفرق سر نهادن صد شتر بار	زمشرق جانب مغرب دویدن
بسی بر جامی آسان تر نماید	ز بار منت دونان کشیدن

عبدالرحمن جامی - قرن نهم